

# ورزش - جوانان - سیاست

آلمان د مكراتيك و ساير كسورهاي سوسياليسني چنان روشن است كه توضيح پيرامون آنها زائد بختر ميرسد ، ولو خطاست اگر بيانديسيم كه آن تبليغات بيمارگونه هيچ تاثيري ندارند و باير هوا هستند . نمونه ، همان بحثي است كه در آغاز آن ياد كرديم :

با توجه به اينكه ورزش ايران دچار بحراني ژرف است و غيرمستتهاي درخشان و استعدادهاي بسيار بار جوانان ايراني ، ورزش ما از همه لحاظ چندي و چوني به قهقرا رفته و چه بسا به صفر رسيده ، و افتخار " نيلام شاهنشاهي " آن شده كه " وليعهد در مسابقه فوتبال به دروازه بان تيم ملي دو گل زدند " ! نگاهي هر چند پير شتاب به برخی علل و شرايط كاميابيهاي جوانان كسورهاي سوسياليسني و در اين مورد به خصوص جمهوري دمكراتيك آلمان آموزنده است .

آلمان دمكراتيك در تقريبا تمام رشته هاي ورزشي ، از شنا تا وزنه برداري ، از دو ميداني تا قايقراني ، در همه



كورنليا اندره ، قهرمان شنای اليك مونترال و برنده ۴ مدال طلا ( جمهوري دمكراتيك آلمان )

اخيراً در جمعي ، دوست صديقي ضمن بحثي دوستانه پيرامون نتايج مسابقات جام جهاني ورزشهاي دو ميداني در دوسلدورف ( آلمان غربي ) ، صحبت از " حب هاي طبي سري و وسره " اي به ميان آورد كه گواي زير تاثير آنها موفقيتهاي چشمگير ورزشي بدست مآيد و علم پزشكسي آلمان دمكراتيك - خوشبختانه - موفق به اختراع آنها شده است ! اين دوست از روي صداقت و سادگي اين مطلب را به مثابه تحسين بيكراني از علم بزرگي آلمان دمكراتيك مطرح ميكرد . دوست ديگري كه به حق متوجه تاثير غير مستقيم تبليغات دروغ پردازانه و منحرف كننده امپرياليسني بر روي اين دوست بود ، به شوخي گفت : اگر علت پيروزي ورزشي در حب و قرص پزشكي نهفته مي بود ، قواً دهها آزمائشگاه در كسورهاي پيشرفته سرمايه داري بسكار ميافتاد و بلافاصله شيخ قطر و شاه ايران و سلطان سمودي با گشاده دستي صدها قرص مخرديند و بيست شعاره كستيهاي نفتكش ، مدال قهرماني به سينه زير درياندند - هاي خود نصب ميكردند . مواظب باش ، براي بعضيها مهم آنستكه توجه ترا به هر قيمت كه شده از مبناي سياسي و اجتماعي پيشرفت ورزش در كسورهاي سوسياليسني منحرف كنند ، حتي به قيمت اعتراف به دستاوردهاي علم پزشكي در اين كسورها !

كاميابيهاي جوانان آلمان دمكراتيك را در زمينه ورزشي به حق ميتوان خيره كننده و حيرت انگيز ناميد . مسابقات اخير جام جهاني در دوسلدورف ، تاييد جديد اين واقعيت بود . مسئله اينجاست كه در اذهان جوانان ورزش دوست همه كسورها ، كه پيرامون علل و چگونگي اين كاميابيها ميانديشند ، پيروزيهاي ورزشي جوانان آلمان دمكراتيك و ساير كسورهاي سوسياليسني تاثير عميقي باقي ميگذارد . به همين جهت هم دستگاه تبليغاتي امپرياليسني كه در نبرد اندیشه اي عيسيه سوسياليسم ، حتي آنجا كه نقطه ناتواني اوست ، هيچ زمينه اي را رها نميكند ، در اينباره نيز فعاليت تب اودي را براي از راه بدر كردن و منحرف نمودن افكار شروع كرده است .

البته براي بسياري از جوانان ، علل پيروزيهاي جوانان

سطوح، از اروپایی تاجهانی، از باشگاهی تا المپیک، کامیابیهای غیرقابل انکار خیره کننده بدست میآورد.

توجه هر ناظری که جوای حقیقت باشد، در نخستین برخورد جدی با ورزش این کشور، به این مسئله جلب میشود که وسایل مادی و فنی و معنوی لازم فراهم شده تا اولاً جوانان در اکثریت عظیم نزدیک به تمامی خود بتوانند ورزش کنند و هر جوان و بهتر است بگوئیم هر کودک و نوجوان آلمان دمکراتیک، میتواند از بهترین وسایل برای ورزش استفاده کند تا سلامتی خود را حفظ نماید و از نظر جسمی به تعادل و کمال مطلوب و ممکن برسد. ثانیاً، بهترین و شایسته ترین آنها همه شرایط را در اختیار دارند که در میدانهای ورزشی به رقابت سالم برخیزند و چه بسا در دشوارترین رودر روئیهها چشم به مدالها دوخته و آنها را نصیب خود و کشوری که این وسایل را فراهم ساخته، بنمایند. یعنی از یکسو گسترده ترین امکانات برای ورزش توده ها و شرکت کلیه جوانان در فعالیتهای تربیت بدنی آماده است و از سوی دیگر عالیترین شرایط مادی و معنوی و همچنین آخرین دستاوردهای علمی و تربیتی در اختیار بهترین و برجسته ترین ورزشکاران قرار داده میشود تا به ستارگان استثنائی آسمان ورزش بدل گردند.



تربیت جسمی افراد، در کشور های سوسیالیستی (در اینجا آلمان دمکراتیک) از خردسالی آغاز میشود.

آیا میدانید که "حق ورزش" در قانون اساسی جمهوری دمکراتیک آلمان ثبت است؟ و این حق نیز مانند سایر حقوق مردم در کشورهای سوسیالیستی حرف میان تهی و وعده بی پشتوانه نیست. این حق با تمام وسایل و امکانات مادی اش برای همگان تأمین شده است.

آیا میدانید که هم اکنون علا در آلمان دمکراتیک ۶۰٪ مردم به ورزش فعال میپردازند و این نسبت در هیچ کشوری مانند ندارد؟

آیا میدانید که ورزش در آلمان دمکراتیک با چنان دستگاهها و آلات لازم مجهز است و از چنان میدانها، سالنها و استخرها و وسایل مالی کافی برخوردار است که به راحتی میتواند مورد غبطه هر کشوری باشد؟

آیا میدانید که یک نیروی بزرگ انسانی، از مری و معلم و کارشناس موسسه تحقیقاتی و کاوشگران علمی، صاحب عالیترین سطح علمی و تخصصی و مهارت، در خدمت ورزش قرار دارند؟

آیا میدانید همانطور که از اوان کودکی و نوجوانی، هنگامیکه بهترین استعدادها برای مثلاً ریاضیات یا هنر، زیانشناسی و غیره کشف و پرورده میشود، از همان موقع نیز نوجوانان مشتمد برای رسیدن به قله های کامیابیهای ورزشی، با در نظر گرفتن ذوق و تعالیات هر نوجوان و شرایط و خواست خانوادگی او، برگزیده میشوند؟

آیا میدانید که فعالیتهای ورزشی هر قدر هم جدی و ضرور باشد، هیچگاه و در هیچ موردی مانع فعالیتهای تحصیلی و یا کار ورزشکاران جوان و عرق آنها در زمینه تولیدی و فرهنگی و اجتماعی نشده، بلکه بر عکس آنرا تشویق کرده و به جلو راننده است؟ و گرایش و هدف آن چنان است که از ورزشکار یک انسان همه جانبه رشد یافته بسازد؟

آیا میدانید که باشگاههای مدارس و کلوبهای کارخانه ها و مؤسسات، نقش امراتی، علمی و فنی مهمی در تشکیلات ورزشی آلمان دمکراتیک ایفا میکنند؟ در کشور سازمان واحد ورزشی (ب. س. ت. د.) وجود دارد.

مدارس اختصاصی ورزش (Sport-schule) متعددی ایجاد شده که در کنار آموزش معمولی دبستانی و دبیرستانی و حرفهای و علاوه بر آن، به تربیت اختصاصی و تکمیلی ورزشی دانش آموز میپردازند.

آیا میدانید که علم پزشکی و رشتههای مختلف آن از راه مطالعه جسم انسانی و اعضای بدن و درک تواناییها و امکانات هر یک و چگونگی تأثیر بر این امکانات بدنی و روانی و نحوه کارآمدتر کردن در هر رشته و چگونگی تعریف در هر مورد و در هر فاصله زمانی و آمادگی ضرور از نظر بدنی و روانی، نقش جدی دارد؟ و البته در آلمان دمکراتیک توجهی متناسب با این اهمیت، به این علم و به رابطه سه گانه "ورزشکار - مری - پزشک ورزشی" به رابطه بین ورزش و علم، میذول میشود. در این زمینه، یعنی شناخت عوامل و عناصر پیشرفت و آمادگی بدنی و روانی ورزشکاران، علم آلمان دمکراتیک در واقع در عالیترین سطح کنونی قرار دارد و به همین علت است که در اینجا



نلی کیمه قهرمان  
زیناستیک جهان  
( شوروی )



نادیا کومانچی، قهرمان زیناستیک جهان (رومانی)  
برمال جامع علوم انسانی



ایرنا شوینسکا، قهرمان دو و ۲۰۰ متر جهان (بلغارستان)

نیکولای آندریانوف، قهرمان زیناستیک جهان (شوروی)



خواتن و قهرمان دو و ۸۰۰۰ نفر جهان (گویا)

مسئله رابطه مستقیم و سطحی بین عده جمعیت کشور و شماره ورزشکاران نخبه و درجه اول، دیگر نمیتواند به شکل کلاسیک آن مطرح گردد.  
آیا همه اینها را میتوان در یک "حب" متراکم کرد و به صورت قرص دارویی به خورد ورزشکار داد؟

وقتی همه اینها را بدانیم، به هنگام رژه عناوین قهرمانی جهانی و اروپایی و المپیک و در برابر تالوئی مدالهای طلا و نقره و برنز ورزشکاران این کشور، دچار سرگیجه نخواهیم شد و از برای تحسینی که گاه موجب میشود دهان انسان از حیرت بازماند، در درک علل و زرق این موفقیتها به گمراهی نخواهیم افتاد. فراموش نکنیم که حتی این تحسین علل نیز یکی از میدانهای همآوردی ایدئولوژیک است و در مقابل خزعلات بی شمار و تبلیغات احمقانهای که در این زمینه شنیده میشود، بیان حقیقت ضرور است. و این حقیقت، به سود سوسیالیسم گواهی میدهد، به سود اجتماعی که برای انسان، برای شکوفایی همه جانبه شخصیت او، بهترین شرایط را فراهم میسازد.

هیرواشی یا سلسله مراتب کهن ورزش در جهان، از سال ۱۹۵۲، هنگامیکه برای اولین بار اتحاد شوروی و برخی کشورهای سوسیالیستی دیگر گام به میدانهای ورزشی المپیک نهادند، به معنای واقعی کلمه از هم فروپاشید. در آن هنگام صحبت از "معجزه شوروی" شد. از سال ۱۹۶۹ ورزشکاران آلمان دمکراتیک توانستند مستقل در میدانهای ورزشی به زور آزمائی بپردازند. (مسابقات دو میدانی اروپا در آن) و این شروع "معجزه آلمان دمکراتیک" بود. حال آنکه دو سال است که در رشته های مختلف، از دو میدانی گرفته تا وزنه برداری (همین امسال در دوسلدورف، در صوفیه و در اشتوتگارت) "گویا" دارد میزبانی چشمها را خیره کند و کم کم زمزمه "معجزه ورزشی گویا" بر سر زبانها افتاده است.

اما تنها اینها نیستند. مسئله بر سر همه کشورهای سوسیالیستی است. کشور کوچک هشت میلیونی بلغارستان سوسیالیستی، که زمانی از عقب افتادترین کشورهای اروپای شرقی بود، در المپیک مونیخ مقام هشتم، در المپیک مونتreal مقام هفتم، در اوپنویس یاد (مسابقات جهانی دانشجویی) امسال مقام سوم را در میان کلیه کشورهای جهان بدست آورد.

مگر میتوان رابطه علی میان این پدیده ها را نادیده گرفت و بر ریشه "معجزه" دیده فروست؟

با چند رقم، از اتحاد شوروی، نخستین کشور سوسیالیستی جهان یاد کنیم. تا قبل از انقلاب کبیر اکتبر، در کلیه باشگاهها و مؤسسات ورزشی سراسر روسیه،

۵۰ هزار نفر به ورزش اشتغال داشتند که اغلب آنها هم البته از فرزند ان اشراف و صاحبمنصبان و تروتسکدان بودند اکنون ورزش سازمان یافته و فعال در باشگاهها ۲۵ میلیونی را در بر میگیرد. امروز در شوروی ۲۵۰۰ استادبوم بزرگ (نظیر آنکه در ایران فقط یکی هست) ۶۳ هزار سالن ورزشی، ۱۳۰۰۰ استخر شنا مطابق موازین المپیک و بیش از ۱۰۰ هزار میدان ورزشی مختلف وجود دارد. در اتحاد شوروی ۲۴ انستیتوی ورزشی، ۲۶ مدرسه متوسطه ورزشی و تربیت بدنی، ۸۹ دانشکده ویژه تربیت بدنی و ۷۷ موسسه عالی تربیتی ورزشی (تربیت معلم ورزش و مربی و متخصص امور ورزشی) وجود دارد.

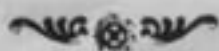
اگر میتوان همه اینها را در یک "حب اعجازگر" کرد آورد، آنوقت میتوان به سخن آن دوست صادق و ساده بازگشت و معجزه را در استقرار جامعه سوسیالیستی رها از ستم و بهره کسی، جامعه تساوی و شکوفایی استعدادها دید و آن نظام اجتماعی را تحسین گفت که برای جوانان چنین شرایطی را فراهم میسازد.

تا سالهای پنجاه این قرن، میدانهای ورزشی و سکویهای افتخار در انحصار چند کشور ایالات متحده، انگلستان، فرانسه و آلمان، در انحصار قشر کوچکی از جوانان این کشورها، اکثراً متعلق به طبقات تروتسکد و صاحب مال و یارثشی و صاحبمنصب بود، که میتوانند به ورزش بپردازند. اشرافیت مال و جاه و نسب و سرمایه، مالک ورزش نیز بود.

پیدایش نخبگان ورزشی را به نحوی ساده و یکسویه مطرح کنیم و مسئله ای را که دارای جوانب مختلف شخصی (فردی)، احساسی، ارادی و همچنین مالی و فنی است به شکلی سطحی و پیش پا افتاده توضیح دهیم، همانطور که واقعیات بر شمرده نشان می دهد، باید قبول کنیم که ورزش را با سیاست نیز کاری و رابطهای هست. رابطهای که به ویژه در پیوند بین نظام اجتماعی سوسیالیستی و امکان ورزش برای همگان و بروز هر استعداد نخبهای آشکار است.

ن. پاکدامن

بی آمدهای اکتیر کبیر، سطح آرام این آب را کدر را نیز به شدت منقلب کرد. چیزی نگذشت که ورزش تودمه ها به واقعیتی بدل شد و سپس انسانهایی دیگر از نظام اجتماعی دیگر، از طبقاتی دیگر، در استاد یومها بر سکوهای افتخار گام نهادند. و اکنون هر چه بیشتر و بیشتر، در این میدانها، هر جمعهای منقش به داسس و چکش، به ستاره سرخ، به علام کار و صلح و دانش به اهتزاز در می آید و سرودهایی که در آنها از قدرت تودمه ها و از نظامی سو سخن میرود، طنین افکن میشود. آری بدون آنکه بخواهیم پدیده بفرسج



## تیم واترپلوی ایران در المپیک ۱۹۸۰

افراد تیم واترپلوی سریل فغاب مریکی از گودال های رودخانه روند با تمرینات مداوم خود را برای المپیک ۱۹۸۰ آماده می کنند. در بازبینی که از تمرین اعضای تیم واترپلوی سریل فغاب میل شد آنها در حالیکه تا کمر در لجن فرو رفته بودند به سئوالات خبرنگار ما پاسخهای آهکی دادند و گفتند ما از اینکه استخری نداریم تا تمرین کنیم هیچگونه ناراحتی نداریم چون از تدریس ها نشنیده ایم که لجن این رودخانه برای رفع سوزدها شفا بخش است اینجاست که

شاعر می فرماید: هست چو نیرسد به استخر - دریا آب لجن آلود  
گودال های رودخانه روند را؛ تنها ناراحتی بچه های واترپلوی های سریل فغاب این است که نبود تیر دروازه استخر مسابقات سبک سید گودال مسابقات - را که دو جوب ناقابل است گلگی کش می روند و کار تیم المپیک سریل فغاب را نیمه کاره می گذارند!  
عکس صحنه ای از تمرینات تیم واترپلوی سریل فغاب است که همه روزه ساعت چند ساعت در استخر انجام می شود



دنیای ورزش سال عفتم شماره ۳۰۹ شهریورماه ۱۳۵۵